



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

آينه جمال

حضرت آيت الله العظمى صافى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آینه جمال : نگرشی بر مکارم اخلاق امام حسین (علیه السلام)

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	آئینه جمال: نگرشی بر مکارم اخلاق امام حسین (علیه‌السلام)
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	فصل اول: جمال آدمی
۸	برتری انسان
۸	برنامه پیامبر صلی الله علیه وآله
۹	رمز بقاء حسین علیه‌السلام
۹	چرا او را یاد کنیم؟!
۱۰	فصل دوم: خورشید اندیشه
۱۰	شاگردان مکتب پیامبر صلی الله علیه وآله
۱۰	حسین علیه‌السلام چراغ اسلام
۱۱	حسین، شمع بزم عالمان
۱۲	فصل سوم: برسجاده نیاز
۱۲	روح عبادت
۱۳	فصل چهارم: باران سخاوت
۱۳	مولای نیازمندان
۱۳	قرضت را ادا می‌کنم
۱۳	فصل پنجم: یک آسمان کرم
۱۳	مرام‌نامه حسین علیه‌السلام
۱۴	فصل ششم: پرچم عدالت خواهی
۱۴	امام عدالت‌خواه
۱۵	فصل هفتم: به رنگ سادگی

۱۵	نگاه به دنیا
۱۶	فصل هشتم: بر قله تواضع
۱۶	از افتادگی تا عزت
۱۷	فصل نهم: قهرمان تاریخ
۱۷	در معنای شجاعت
۱۷	شجاعت راستین
۱۷	معیار بقای امت‌ها
۱۸	در رزمگاه حسین علیه‌السلام
۱۹	فصل دهم: روح پر شکوه
۱۹	عظمت در تصمیم
۲۰	عزم حسینی
۲۰	عظمت در مردانگی
۲۱	فصل یازدهم: کوه صبر
۲۱	جایگاه صبر
۲۲	مرد صبر
۲۲	صبر در جهاد
۲۳	صبر بر بلا
۲۳	صبر در هنگامه غضب
۲۵	صبر بر تشنگی
۲۵	صبر در بندگی
۲۶	آثار علمی حضرت آیت الله العظمی صافی
۳۴	درباره مرکز

آیینہ جمال : نگرشی بر مکارم اخلاق امام حسین (علیه السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸ -

عنوان و نام پدیدآور : آیینہ جمال : نگرشی بر مکارم اخلاق امام حسین (علیه السلام)/لطف‌الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۷۹ ص.

شابک : ۹۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۳۱۹-۷؛ ۹۰۰۰ ریال(چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۹۰.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق. — اخلاق

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق — فضایل

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق — احادیث

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۴۱/۴ ص ۹۲۲ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۳۰۴۳۵

مقدمه

سخن ناشر

جمال حسین علیه السلام، آینه تمام نمای مکرمت‌های اخلاقی است و یاد سید الشهداء، مرور درس‌های اخلاق و معنویت است. اکنون قرن‌هاست خورشید حیات طیبہ حسین علیه السلام، که تجلی جمال الهی است در افق حرکت جامعه بشری نورافشانی می‌کند و کاروان کمال و تعالی، قافله‌سالاری هم چون حسین دارد.

معرفت حسین و فضائل و مکارم اخلاق آن امام خوبی‌ها، درس جاودانه چگونگی زیستن و چگونه بودن است.

معرفت حسین، معرفت به انسانیت و اخلاق و بزرگی و کرامت نفس است.

کتاب «آیینہ جمال»، مروری است اجمالی بر جلوه‌هایی از مکارم اخلاق مولای خوبان و امام شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام؛ جلوه‌هایی که بایسته است در نگرش به حیات آن امام همام، مورد توجه ویژه قرار گیرد.

«آیینہ جمال» نشان می‌دهد که شخصیت رفیع حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، چگونه مجموعه‌ای از صفات ممتاز انسان کامل و برگزیده پروردگار بوده است و حیات طیبہ آن عصاره خوبی‌ها، تصویری از کرامت، شجاعت، صبر، عدالت، سخاوت و در یک کلام عظمت را به نمایش می‌گذارد.

و اینک پرتوی از «آیینہ جمال» خورشید هدایت حسین علیه السلام، در مقابل ماست.

کافی است تا پنجره دل را بگشاییم ...

مرکز تنظیم و نشر آثار

حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله العالی

آینه جمال، ص: ۷

فصل اول: جمال آدمی

برتری انسان

مسلم است که ارزش واقعی انسان‌ها به علم و کمالات و فضایل و صفات اخلاقی است. افراد بشر هر چند از جهت جسم و ظاهر و لباس و مکان و مال و مقام و این گونه موارد با هم تفاوت‌هایی دارند اما این تفاوت‌ها سبب امتیاز آنها بر یکدیگر نیست؛ آنچه سبب امتیاز حقیقی است، علم، فضیلت، اخلاق و رفتار نیک است.

فضیلت آدمیان در بهره‌گیری از لذات حیوانی و برخورداری از آنچه بین انسان و سایر حیوانات مشترک است نمی‌باشد؛ بلکه کمال آدمی وابسته به امتیازات او از حیوانات است. هرچه بهره او از این امتیازات بیشتر باشد، فاصله‌اش از عالم حیوانی زیادت‌تر، و جلوه و نمایش انسانی او بیشتر می‌شود.

انسان فطرتاً شیفته اخلاق پسندیده است؛ او صاحبان مکارم اخلاق را دوست می‌دارد و تحت تأثیر مناظر حساس اخلاقی قرار می‌گیرد.

در تمام قرون و اعصار، عدالت، طهارت نفس، امانت، صداقت، استقامت، ثبات قدم، شجاعت، صراحت لهجه، صبر و حلم، وفای به عهد، تواضع، رحم، احسان، اغماض و گذشت، فداکاری و ایثار، آزادی خواهی و خدمت به هم‌نوع، و سایر صفات حمیده، محبوب بشر

بوده است. هرچه شکل دنیا عوض شود و ظواهر زندگی تغییر کند در

آینه جمال، ص: ۸

این احساس بشری و احترام او به نیکوکاران و نیکوخویان، تغییری حاصل نخواهد شد. چنانچه صفاتی مانند، حسد، تکبر، نفاق، ظلم و بی‌رحمی، خیانت، دروغ، کینه توزی و خودبینی، همیشه مورد تنفر بوده و نامطبوع می‌باشد. علم اخلاق بر اساس همین توجه فطری انسان و درک باطنی او به وجود آمده است.

آینه جمال، ص: ۹

برنامه پیامبر صلی الله علیه و آله

قرآن مجید برنامه کار و دعوت پیغمبر صلی الله علیه و آله را در سه قسمت خلاصه می‌کند: [۱]

- تلاوت آیات خدا.

- تزکیه و تربیت نفوس.

- تعلیم کتاب و حکمت.

در حدیث معروف، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

أَنْمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ [۲]

همانا برانگیخته گردیدم تا مکارم اخلاق را به سر حد کمال برسانم.

شخص پیامبر صلی الله علیه و آله به تمام اخلاق فاضله و صفات ممتاز

آینه جمال، ص: ۱۰

آراسته و در حسن اخلاق، یگانه نمونه کمال بشری و به تصدیق دوست و دشمن مثل اعلی، و سرآمد تمام مردم بود. [۳]

استقامت، شجاعت، پایداری و مناعت از هیچ کس قابل تحقق نیست مگر آنکه در نواحی دیگر اخلاق نیز عظیم، برجسته و ممتاز

باشد. ایمان و معرفت، یقین و بصیرت، توکل و اعتماد بر خدا، زهد و صبر باید به حد اعلا و وفور در شخص، وجود داشته باشد تا

بتواند مظهر آن آیات عظیم و عجیب، خویشتن داری، صبر و استقامت گردد.

آینه جمال، ص: ۱۱

رمز بقاء حسین علیه السلام

علائلی می‌نویسد: «در آنچه از اخبار و تاریخ حسین علیه السلام نزد ماست می‌بینیم که وی کمال مواظبت را در تأسی به خویش

داشت به طوری که از همه جهات و نواحی، نمونه کامل پیغمبر صلی الله علیه و آله بود.

کسی که همه حالات و سکون، حرکت، فکر و تأملاتش الهی بود، می‌بینیم که در جهاد، فداکارانه شمشیر می‌زد و از خود گذشته

بود؛ هیچ کار و تکلیفی او را از وظیفه و تکلیف دیگر باز نمی‌داشت.» [۴]

ما اگر حسین علیه السلام را در بین بزرگان و صاحبان شخصیت و عظمت، مقدم می‌داریم فقط به این دلیل نیست که مرد عظیمی را

مقدم داشته‌ایم؛ بلکه عظیمی را مقدم می‌داریم که هر با عظمتی در برابر عظمت او در حال گرنش است و شخصی را برتری

می‌دهیم که از هر شخصیتی بالاتر است و مردی را مقدم می‌داریم که فوق تمام رجال تاریخ در اجتماع آنهاست و این تقدیم، هیچ

کار تازه و بدیعی نیست؛ زیرا مردان تاریخ، عمر خود را در تحصیل مجد و بزرگواری زمین به پایان رساندند، اما حسین علیه السلام

جان خود را در راه تحصیل مجد آسمان فدا کرد و چنین کسی بالاتر و برتر از همه است.

آینه جمال، ص: ۱۲

چرا او را یاد کنیم؟!

مردی که از عظمت نبوت محمد صلی الله علیه و آله، عظمت مردانگی علی علیه السلام و عظمت فضیلت فاطمه سلام الله علیها به

وجود آمده، نمونه عظمت انسانی و نشانه آشکار بزرگی اخلاق است، پس یاد او و ذکر حالات او تنها یاد و ذکر یک مرد بزرگ

نیست؛ بلکه یاد و تذکار انسانیت جاویدان است. اخبار و تاریخ او تاریخ یک قهرمان فضیلت بشری نیست، بلکه تاریخ قهرمانی

بی‌مانند است.

عقاد می‌نویسد: «بنی امیه بعد از شهادت سید الشهداء علیه السلام به مدت شصت سال، حسین و پدرش را برفراز منابر سب می‌کردند

اما یک نفر از آنها نتوانست نسبت به مقام ورع، پارسایی، پرهیزکاری و مراعات او از احکام دین جسارتی بنماید و او را به

کوچک‌ترین گناهی که ممکن است در آشکار یا پنهان از آدمی صادر شود متهم سازد.

آنها می‌خواستند که در مورد حسین علیه السلام غیر از خروج بر حکومتشان چیزی گفته شود یا عیبی در او بجویند اما زبان خودشان

وزبان مزدورانشان را از اینکه عیبی را به حسین علیه السلام نسبت بدهند، کوتاه دیدند.» [۵]

و باز عقاد آورده است: «کربلا- امروز حرمی است که مسلمانان، آن را برای عبرت و یادبود و غیرمسلمین برای مشاهده و تماشا، زیارت می‌کنند اما حق این است که کربلا باید زیارتگاه کسی باشد که برای نوع

آینه جمال، ص: ۱۳

بشر نصیبی از قدس و فضیلت می‌شناسد؛ زیرا ما هیچ بقعه‌ای از بقاع زمین را نمی‌شناسیم که نام آن با فضائل و مناقبی توأم باشد که آن فضایل و مناقب لازم‌تر از فضایی است که با اسم کربلا بعد از شهادت حسین علیه‌السلام مقرون گردید.»

آینه جمال، ص: ۱۵

فصل دوم: خورشید اندیشه

شاگردان مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله

احادیث معتبر بر این مطلب دلالت دارند که پیغمبر صلی الله علیه و آله، علی علیه‌السلام و فرزندان او را به دانش‌هایی مخصوص گردانید. کتابی به خط علی علیه‌السلام و املا پیغمبر صلی الله علیه و آله همواره در این خاندان مورد استناد و مراجعه بوده است، در حقیقت، تبلیغات و تعلیمات امامان علیهم‌السلام و سیره و روش آنها مکمل و متمم هدف پیغمبر صلی الله علیه و آله در تربیت جامعه و هدایت بشر می‌باشد.

بر اساس حدیث متواتر و مشهور ثقلین، پیغمبر صلی الله علیه و آله جمیع امت را به این بزرگواران ارجاع داده است. با وجود این حدیث شریف، صلاحیت علمی اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله ظاهر و آشکار می‌گردد.

علامه بر اینها روایات بسیار دیگری از طرق اهل سنت دلالت دارند بر آنکه در بین تربیت شدگان مکتب نبوت، علی علیه‌السلام بیشتر از همه صحابه، از تابش انوار نبوت استفاده کرد؛ او بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

مرجع عموم در مسائل مشکل علمی می‌باشد و علوم شرعیه همه به آن سرور منتهی می‌شود.

بعد از علی علیه‌السلام منصب الهی امامت و رهبری علمی و دینی با فرزندان او حضرت امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین، سیدالشهداء

آینه جمال، ص: ۱۶

علیهما‌السلام بود. آنها ملجأ و پناه مردم در مسائل اسلامی، علوم تفسیر و احکام شرعی بودند؛ سخنشان قاطع و مقبول، و روششان سرمشق و میزان بود.

آینه جمال، ص: ۱۷

حسین علیه‌السلام چراغ اسلام

هر چه بیشتر در حالات سیدالشهداء علیه‌السلام دقیق شویم این رمز بر ما آشکارتر می‌شود که در امر دین بصیرتی خارق العاده و بینشی غیبی راهنمای آن حضرت بوده است.

علم و دانش آن بزرگوار از احتجاجات او با دشمنان اهل بیت، بخصوص معاویه و مروان، از نامه‌هایی که به معاویه مرقوم فرموده، از خطبه‌هایی که به مناسبت‌های مختلف انشاء نموده‌اند و از دعای عرفه، و دعا‌های دیگری که از آن حضرت در کتاب‌های شیعه و سنی نقل است، ظاهر و آشکار می‌گردد.

نافع بن ازرق، رهبر فرقه ازرقه خوارج به حسین علیه‌السلام عرض کرد: «خدایی را که می‌پرستی برای من توصیف کن!»

حسین علیه السلام فرمود:

يَا نَافِعَ مَنْ وَضَعَ دِينَهُ عَلَى الْقِيَاسِ لَمْ يَزَلِ الدَّهْرُ فِي الْإِلْتِبَاسِ مَائِلًا نَاكِبًا عَنِ الْمُنْهَاجِ ظَاعِنًا بِالْأَعْوَجَاجِ ضَالًّا عَنِ السَّبِيلِ قَائِلًا غَيْرَ الْجَمِيلِ
يَا بَنَ الْأَزْرَقِ أَصِفُ الْهَى بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ لَا يُدْرِكُ بِالْحَوَاسِ، وَلَا يُقَاسُ بِالنَّاسِ قَرِيبٌ غَيْرٌ مُلْتَصِقٌ، وَبَعِيدٌ غَيْرٌ مُشْتَقَصِي يُوَحِّدُ، وَلَا
يُبْعَضُ

مَعْرُوفٌ بِالْآيَاتِ مَوْصُوفٌ بِالْعَلَامَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ

ای نافع! هر کس دین خود را بر قیاس بسازد همواره در اشتباه

آینه جمال، ص: ۱۸

است و در راه به صورت افتد، به اعوجاج و کژی کوچ کند، گمراه گردد و سخنان نازیبا گوید. ای پسر ازرق! من خدایم را وصف می‌کنم به آنچه او خود را وصف فرموده است. او به حواس ادراک نشود و به مردم قیاس نگردهد. نزدیک است اما به چیزی چسبیده نیست، دور است اما دوری نجسته (دوری و نزدیکی خداوند مانند دوری و نزدیکی موجودات دیگر نیست. دوری و نزدیکی او با حواس مادی قابل درک نمی‌باشد) او یگانه است و تبعیض، تجزیه و ترکیب در او راه ندارند، و به نشانه‌ها شناخته شده و به علامت‌ها وصف گردیده است؛ غیر از خداوند بزرگ و بلند مرتبه، خدایی نیست.

ابن ازرق گریست و گفت:

«مَا أَحْسَنَ كَلَامَكَ»؛ چقدر نیکو است کلام تو!

حسین علیه السلام فرمود: «به من رسیده که تو بر پدر و برادرم و بر من گواهی به کفر می‌دهی!»

ابن ازرق گفت: «أَمَّا وَاللَّهِ يَا حُسَيْنُ لَئِنْ كَانَ ذَلِكَ لَقَدْ كُنْتُمْ مَنَارَ الْإِسْلَامِ وَتُجُومَ الْأَحْكَامِ»؛ یا حسین! اگر این ناسزا از من صادر شده، به خدا

سوگند! به یقین، شما چراغ اسلام و ستارگان احکام خدایید. [۶] یعنی مردم باید از انوار علوم و معارف شما روشنی بجویند و در تاریکی‌ها به ستاره‌های وجود شما هدایت گردند.

آینه جمال، ص: ۱۹

حسین، شمع بزم عالمان

ابن کثیر در کتاب خود آورده است: «حسین علیه السلام و ابن زبیر از مدینه به سوی مکه بیرون شدند و در مکه اقامت گزیدند. حسین علیه السلام مورد توجه مردم قرار گرفت. آنها به سوی او می‌آمدند در اطراف او می‌نشستند و سخنش را می‌شنیدند و از آنچه از او می‌شنیدند سود می‌جستند و گفته‌هایش را ضبط کرده و می‌نوشتند تا از او روایت کنند.»

علائلی در سمو المعنی نگاشته است: «مردم چنان شیفته معنویت و عظمت روح حسین علیه السلام بودند و چنان حسین علیه السلام محبوبیت داشت که از همه کس و همه‌جا منصرف و منقطع شده و به سوی او می‌شتافتند. کسی جز حسین علیه السلام نبود که این همه مرید و ارادتمند داشته باشد؛ گویی مردم در وجود حسین علیه السلام حقیقت دیگری از عالم ابداع الهی را تماشا می‌کردند. چون حسین علیه السلام سخن بگوید مثل آن است که زبان عالم غیب باز شده و آنها را از رموز و اسرار پنهان و حقایق نهان آنگاه می‌سازد؛ و زمانی که خاموش می‌شد سکوتش به گونه‌ای متفاوت آنها را از حقایق دیگر با خبر می‌ساخت؛ زیرا پاره‌ای از حقایق را جز با خاموشی عمیق نمی‌توان اظهار کرد؛ مثل نقطه و فاصله‌ای که در میان سطرها، کلمه‌ها و جمله‌ها می‌گذارند و همان نقطه خالی از نوشته، مانند نوشته‌های کتاب، معنایی می‌دهد که جز با آن نقطه با هیچ نوشته‌ای آن معنا را نمی‌توان بیان کرد.»

کلام فوق نشان از واقعیتی انکارناپذیر از محبوبیت علمی حسین علیه السلام در میان مردم دارد. با آنکه مردم در فشار حکومت بوده

و

آینه جمال، ص: ۲۰

جاسوسان و کارآگاهان همه جا در تعقیب آنها بودند تا کسی با حسین علیه‌السلام رابطه نداشته باشند، اما قدرت سرنیزه و زور نظامی چگونه می‌تواند مردم را از خودشان، دلشان و ضمیرشان جدا کند؟ قدرت، هر میزان که باشد نمی‌تواند بر شعور بشر مسلط شود و سرنیزه هر قدر که کاری و نافذ باشد به باطن انسان و معنویت او نفوذ نمی‌کند.

علائلی در ادامه آورده است: «حسین علیه‌السلام کثیر الحدیث و الروایه بود، آن زمان با اینکه تعداد بسیاری از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل حدیث می‌کردند، اما مردم همه آنها را ترک کرده و به مجلس حسین علیه‌السلام می‌آمدند.» پس از این، علائلی احادیثی از آن حضرت نقل می‌کند. [۷]

اخباری که از حسین علیه‌السلام نقل شده حاکی از علم و ذوق سرشار، قوت فطانت، استعداد و قریحه و استحکام منطق اوست این اخبار بیش از آن است که قابل شمارش باشد. آن حضرت به گونه‌ای در مسائل علمیه با جودت ذهن و وحدت خاطر اظهار نظر می‌کرد و فتوا می‌داد که موجب تحیر مردم می‌شد، تا حدی که عبدالله بن عمر در حق او گفت:

«أَنَّهُ يُعَرِّضُ الْعِلْمَ غَرًّا» [۸]

همچنان که مرغ، جوجه خود را با منقار خود غذا می‌دهد، حسین

آینه جمال، ص: ۲۱

علیه‌السلام نیز در بیت نبوت و ولایت از سرانگشت علوم رسول خدا صلی الله علیه و آله غذا خورد، و از سینه معارف اسلام شیر مکید و رشد و نمو یافت.

آینه جمال، ص: ۲۳

فصل سوم: بر سجاده نیاز

روح عبادت

ابن عبدالبر و ابن اثیر از مصعب زبیری روایت کرده‌اند که می‌گفت:

«حسین با فضیلت و متمسک به دین بود و نماز و روزه و حج او بسیار بود.» [۹] عبدالله بن زبیر در وصف عبادت او گفت: «حسین در شب بیدار و در روز، روزه‌دار بود.»

عقاد می‌گوید: «علاوه بر نمازهای پنجگانه، نمازهای دیگر نیز به جا می‌آورد و علاوه بر روزه ماه رمضان، در ماه‌های دیگر هم روزهایی را روزه می‌گرفت، و در هیچ سال حج خانه خدا از او فوت نشد مگر آنکه ناچار به ترک شده باشد.» [۱۰]

در شبانه روز هزار رکعت نماز به جای می‌آورد، و بیست و پنج مرتبه پیاده حج گذارد [۱۱] و این دلیل کمال عبادت و خضوع او به درگاه خداست. روزی از روزها، رکن کعبه را گرفته بود و بدین گونه دعا و اظهار بندگی و ذلت به درگاه خدای عزیز می‌کرد و او را مدح و ثنا و ستایش می‌نمود:

آینه جمال، ص: ۲۴

الهِی نَعْمَتِنِی فَلَمْ تَجِدْنِی شَاكِرًا وَ ابْتَلَيْتِنِی فَلَمْ تَجِدْنِی صَابِرًا فَلَا اَنْتَ سَلَبْتَ النُّعْمَةَ بِتَرْكِ الشُّكْرِ، وَلَا اَدَمْتَ الشَّدَّةَ بِتَرْكِ الصَّبْرِ الِهِی مَا یَكُونُ مِنَ الْكَرِیْمِ اِلَّا الْكَرِیْمِ [۱۲]

خدایا! مرا نعمت بخشیدی و شکر مرا نیافتی، به بلا گرفتارم نمودی و صبر مرا دریافت نکردی، نعمت را از من دریغ نورییدی و با

ترک صبرم شدت بلا را بیشتر نمودی. پروردگارا! از کریم غیر از کرم نسزد.

اگر کسی بخواهد حال دعا و پرستش و مسکنت آن امام مجاهد مظلوم را در درگاه خدا بداند کافی است که به همان دعای معروف عرفه رجوع نماید.

آینه جمال، ص: ۲۵

فصل چهارم: باران سخاوت

مولای نیازمندان

حسین علیه السلام، نماز را به جای آورد و بیرون آمد. اعرابی تنگدستی را مشاهده نمود، برگشت و قبر را صدا زد. قبر گفت: لَيْتِكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ.

فرمود: «از پول مخارج ما چقدر مانده است؟»

عرض کرد: «دویست درهم که فرمودی در بین اهل بیت، قسمت کنم.»

فرمود: «آن را بیاور! کسی آمده که از آنها به آن پول سزاوارتر است.» سپس آن پول را گرفت، بیرون آمد و به اعرابی داد.

آینه جمال، ص: ۲۶

قرضت را ادا می‌کنم

روزی آن حضرت برای عیادت و احوالپرسی اسامه بن زید به منزل او رفت. اسامه ناله می‌کرد و از غمناکی خود می‌گفت. فرمود: «برادر چه غمی داری؟»

عرض کرد: «قرضی دارم که شصت هزار درهم است.»

حسین علیه السلام فرمود: «آن بر عهده من است.»

اسامه گفت: «می‌ترسم بمیرم و قرضم ادا نشده باشد.»

فرمود: «نمی‌میری تا من آن را ادا کنم.»

ایشان آن قرض را پیش از مرگ او ادا کرد. [۱۳]

آینه جمال، ص: ۲۷

فصل پنجم: یک آسمان کرم

مراغ نامه حسین علیه السلام

حسین علیه السلام در آداب اجتماعی و حسن معاشرت با دور و نزدیک، بلند پایه و بی نظیر بود. خصال آن حضرت سرشار از عفو و گذشت است.

جمال الدین محمد زرنندی حنفی مدنی روایت کرده که از حضرت زین العابدین از پدرش حسین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «اگر مردی به من دشنام دهد در این گوش (و به گوش راستش اشاره فرمود) و عذر بیاورد در گوش دیگرم، عذر او را می‌پذیرم؛

زیرا امیر المؤمنین علیه السلام از جدم پیغمبر صلی الله علیه و آله برای من نقل فرمود:

لَا يَرِدُ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُحِقٍّ أَوْ مُبْطِلٍ

وارد حوض (کوثر) نمی‌شود کسی که عذر را نپذیرد، خواه عذر آور حق بگوید یا باطل. [۱۴]

حسین علیه‌السلام با فرزندان، بانوان، خویشان و اهل بیت خود در نهایت ادب، محبت، رحمت، مهربانی، انس و مودت برخورد می‌کرد.

ابن قتیبه روایت می‌کند که مردی خدمت امام حسن علیه‌السلام آمد، و از

آینه جمال، ص: ۲۸

آن حضرت درخواست چیزی کرد.

حضرت فرمود: «سؤال، شایسته نیست مگر برای وام سنگین یا فقرِ خوار کننده و یا دیه و تاوانی که ادا نکردن آن سبب رسوایی شود.»

عرض کرد: «نیامدم به خدمت شما مگر برای یکی از آنها.»

حضرت، فرمان داد صد دینار به او دادند.

سپس آن مرد خدمت حسین علیه‌السلام رفت و از آن حضرت نیز سؤال کرد، حسین علیه‌السلام هم همان سخن برادرش را به او

فرمود و همان پاسخ را شنید؛ سپس پرسید: «برادرم به تو چقدر داد؟»

عرض کرد: «صد دینار.»

حسین علیه‌السلام نودونه دینار به او عطا کرد؛ زیرا نخواست با برادرش برابری کرده باشد. [۱۵]

یاقوت مستعصمی از انس روایت می‌کند که در خدمت حسین علیه‌السلام بودم؛ کنیز کی دسته گلی برای آن حضرت آورد. حسین

علیه‌السلام فرمود:

أَنْتِ حُرَّةٌ لَوْ جِهَ اللَّهُ تَعَالَى

تو برای خدا آزادی.

گفتم: «کنیز کی یک دسته گل برایت آورده و تو او را آزاد می‌کنی؟» فرمود: «این چنین خدا به ما ادب آموخته است؛ زیرا

می‌فرماید:

وَ إِذَا حُيِّئْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا» [۱۶]

آینه جمال، ص: ۲۹

هرگاه کسی شما را ستایش کند، شما نیز باید در مقابل به ستایشی بهتر از آن، یا مانند آن، پاسخ دهید.

و نیکوتر از این دسته گل، آزاد ساختن او بود. [۱۷]

آینه جمال، ص: ۳۱

فصل ششم: پرچم عدالت خواهی

امام عدالت خواه

خاندان علی علیه‌السلام به عدالت و حمایت از مظلوم، همانندی در عالم ندارند. حکایاتی که از عدل علی علیه‌السلام در کتاب‌های

تاریخ، نگاشته شده نشان می‌دهد که او دلباخته حق و فانی در عدالت بود. او به فرزندانش وصیت فرمود:

كُونَا لِلظَّالِمِ حَضَمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا [۱۸]

دشمن ستمگر و یار ستم‌دیده باشید.

حسین علیه‌السلام فرزند آن پدر و وارث همان صفات می‌باشد. از ستم‌هایی که بنی امیه و عمال آنها به مردم می‌نمودند بیش از هر کس رنج می‌کشید و به شدت ناراحت می‌شد. قیام او، قیام علیه ظلم، بیداد و ستمگری، و نهضت او نهضت نجات بخش ستم‌دیدگان و مظلومین بود.

یکی از داستان‌هایی که گواه بر شدت علاقه حسین علیه‌السلام به دفاع از مظلومین و حمایت از بیچارگان بی‌پناه می‌باشد، داستان اربنب دختر اسحاق و همسر عبدالله بن سلام است. یزید که به اصطلاح، شاهزاده و ولیعهد معاویه بود و تمام اسباب شهوترانی، از جمله پول، مقام، زور، کنیزکان ماهرو و زن‌های رقاصه و خواننده خودفروش در اختیارش بودند

آینه جمال، ص: ۳۲

با این وجود، باز چشم طمع به بانوی شوهرداری دوخت که باید او و پدرش معاویه پاسدار عصمت و عفت او باشند. یزید همچون اراذل و شهوت پرستانی که در وفور عیش و نوش حکومت، تربیت می‌شوند ناآرام شد، اما از آنجا که آن زن، نجیب، پاکدامن و عقیفه بود دسترسی به او از راه فریب و منحرف ساختن وی از طریق پارسایی محال می‌نمود. معاویه ناپاک، که خود را امیرالمؤمنین می‌خواند، برای خواهش نفس و شهوت یزید دست به نیرنگ بسیار عجیب و بی‌سابقه‌ای زد. او مرد بدبخت را از زن عقیفه و زیباییش جدا نمود و مقدمات کامیابی یزید از آن زن را فراهم ساخت.

اما حسین علیه‌السلام با غیرت و جوانمردی در مقابل این تصمیم زشت و شیطانی معاویه ایستاد، و نقشه او را نقش بر آب کرد. حسین علیه‌السلام غیرت و حمیت هاشمی و علاقه خود به حفظ نوامیس مسلمین را نشان داد و مانع از رسیدن یزید به هوس ناپاک و شریرش گردید. افتراقی را که معاویه با نیرنگ ایجاد کرد، به اتصال مبدل نمود، و آن ستم بزرگ را از عبدالله بن سلام و همسرش دفع گردانید. این داستان در تاریخ مفاخر آل علی علیه‌السلام و مظالم بنی امیه جاودان باقی مانده است. [۱۹]

آینه جمال، ص: ۳۳

فصل هفتم: به رنگ سادگی

نگاه به دنیا

بهترین نشانه زهد کامل و خوار شمردن دنیا، همان فداکاری و گذشت سید الشهداء علیه‌السلام از جان خود، جوانان، برادران، اصحاب و یاران و تن دادن به آن همه مصیبت و بلا بود.

اگر دنیا و مال و نعمت‌های دنیوی در نظر کسی بی‌قدر و ارزش نباشد نمی‌تواند این گونه در راه حق و یاری دین خدا و بزرگداشت هدف عالی خود پایداری و استقامت ورزد تا به حدی که بدن قطعه قطعه عزیزانش را ببیند، صدای ناله کودکش را از زحمت تشنگی بشنود، گریه زن و فرزند، دل پر مهر و عاطفه او را به درد آورد و برپیکرش آن همه زخم‌های کاری وارد آید اما در یاری دین خدا ثابت و پا برجا بماند، در مقابل باطل، نرمش نشان ندهد و چون کوه در برابر تمام این مصائب استوار بماند.

آری! به حسین علیه‌السلام پیشنهاد کردند که با یزید از در مسامحه و سازش در آید و به نحوی که در عرف اهل دنیا خلاف شأن و شرف او شمرده نشود با او کنار بیاید و در عوض، خود، خاندان، فامیل و خویشانش از دنیا متمتع و بهره‌مند شوند؛ اما حسین علیه‌السلام کسی نبود که

برای زندگی دنیا و خوشگذرانی، مصالح اسلامی را نادیده انگاشته و با گرفتن حق السکوت، برقراری آن دستگاه فاسد و سراسر ظلم و کفر را

آینه جمال، ص: ۳۴

امضا نماید و در ادای تکلیف و وظیفه مهمی که از سوی خدا عهده‌دار شده مسامحه و کوتاهی نماید.

حسین علیه‌السلام پسر کسی است که فرمود: «اگر آفتاب را در دست راست، و ماه را در دست چپم بگذارند که دست از دعوت بردارم، برنخواهم داشت».[۲۰]

او پسر کسی است که می‌گفت: «دنیای شما نزد من از آب بینی یک بز زکامی خوارتر است».[۲۱]

علائلی می‌نویسد: «حسین علیه‌السلام در این ناحیه، بزرگ و یگانه بود. زندگی دنیا را خوار می‌شمرد و از مرگ بیم و هراسی نداشت. جز به برهان پروردگارش، که همه چیز را فدای آن می‌کرد، به هیچ چیز توجه نداشت. از این جهت سزاوار است مانند شاعر هندی، معین‌الدین اجمیری، او را دومین بناکننده کاخ اسلام بعد از جدش، و مجدّد بنای توحید و یکتا پرستی بنامیم».[۲۲]

و نیز علائلی می‌نویسد: «حسین علیه‌السلام به کل وجود و تمام هستی‌اش از دنیا روگردانده بود».[۲۳] پس حسین علیه‌السلام مانند پدرش، رئیس و سید زهاد بود. پدر می‌گفت:

وَاللّٰهُ لِابْنِ اَبِيطَالِبٍ اَنْسٌ بِالْمَوْتِ مِنَ الطُّفْلِ بِتُدَىٰ اُمِّهِ [۲۴]

آینه جمال، ص: ۳۵

به خدا سوگند! انس فرزند ابی‌طالب نسبت به مرگ از انس طفل به سینه مادرش بیشتر است.

وَمَا اَنَا اِلَّا كَعَارِبٍ وَّرَدَّ اَوْ كَطَالِبٍ وَّجَدَ [۲۵]

پسر می‌گفت:

اِنِّي لَا اَرَى الْمَوْتَ اِلَّا سَعَادَةً، وَاَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِيْنَ اِلَّا بَرَمًا [۲۶]

ابن شهر آشوب در جمله‌ای در مورد زهد آن حضرت گوید که به او گفته شد: «بیم تو از پروردگارت به چه میزان بزرگ است؟» فرمود:

لَا يَأْمَنُ الْقِيَامَةَ اِلَّا مَنْ خَافَ اللّٰهَ فِي الدُّنْيَا

درامان نیست کسی در روز قیامت، مگر آن کس که در دنیا از خدا بترسد.[۲۷]

آینه جمال، ص: ۳۷

فصل هشتم: بر قله تواضع

از افتادگی تا عزت

هرچه معرفت، خداشناسی، توحید، علم و حکمت انسان بیشتر شود، تواضع و فروتنی او زیادتر می‌گردد. تکبر بشر ناشی از جهل، نادانی، غفلت و خودپسندی است. در آیات کریمه و احادیث از تکبر به شدت مذمت، و از تواضع، مدح و ستایش شده است.

حسین علیه‌السلام در نزد مردم بسیار محترم بود. زمانی که او و برادرش، حسن مجتبی علیهما السلام پیاده به حج می‌شتافتند تمام رجال و شیوخ صحابه که همراه آنها بودند به احترامشان از مراکب پایین آمده و پیاده راه می‌پیمودند. احترام حسین علیه‌السلام در میان مردم نه برای آن بود که او کاخ مجلل داشت یا مرگ‌های سواری او گران قیمت بودند یا غلامان و سربازانی پیشاپیش یا دنبال مرگ او می‌رفتند یا آنکه مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله را برای او خلوت می‌نمودند و راه‌ها را در موقع آمد و شد وی بر مردم می‌بستند، نه! برای هیچ یک از اینها نبود. حسین علیه‌السلام با مردم زندگی می‌کرد و جدایی از آنها را نمی‌پذیرفت. زندگی او مالا مال از سادگی بود. همه ساله پیاده به حج می‌رفت و با مردم نشست و برخاست، و آمد و شد می‌نمود؛ با فقرا معاشرت می‌کرد، در نماز جماعت، حاضر می‌شد، به عیادت بیماران می‌شتافت، در تشییع جنازه‌ها

آینه جمال، ص: ۳۸

شرکت می‌جست و در مسجد جدش پیغمبر با دوستان و اصحاب می‌نشست. او دعوت فقرا را می‌پذیرفت و آنها را میهمان می‌نمود، خودش برای محتاجان، بینوایان، بیوه زنان و یتیمان، نان و غذا می‌برد.

وقتی سپاهیان ستم پیشه و سنگدل کوفه بدن مطهر ایشان را عریان بر خاک افکندند، بر شانه مبارکش نشان از برداشتن بار دیدند، از علت آن جويا شدند، حضرت سجاد فرمود: «اثر انبان‌هایی است که در مدینه به دوش مبارک بر می‌گرفت و به خانه‌های فقرا، ایتام و بیوه‌زنان می‌برد.» [۲۸]

آینه جمال، ص: ۳۹

فصل نهم: قهرمان تاریخ

در معنای شجاعت

شاید بعضی گمان کنند که شجاعت حسین علیه‌السلام در زور بازو، قدرت و قوت بدنی، و علم آن حضرت به آیین جنگ و نبرد و به خاک انداختن دلیران و دلاوران خلاصه می‌شود و بزرگ‌ترین نمایش‌های شجاعت آن حضرت را حملاتی بدانند که یک تنه به سپاه دشمن می‌نمود و طومار آنها را در هم می‌پیچید. دشمنان، زمانی که دیدند حریف آن زور و بازو نمی‌شوند از اطراف، پیکر پاکش را هدف سنگ و تیر قرار دادند و اگرچه آن سید مظلومان را شهید کردند و سرانورش را شمر یا سنان یا خولی از بدن جدا ساخت اما کسی ادعا نکرد که من به زور بازوی شخصی خود، آن حضرت را کشتم؛ کثرت زخم، جراحات بسیار، تشنگی و خون‌ریزی فوق‌العاده، آن امام مجاهد را (به ظاهر) از پا در آورد که آن دشمنان خدا به قتلش دلیر شدند، و گرنه کسی نبود که بتواند با نبرد و زور بازو آن یادگار حیدر کزار را به قتل برساند. این زور بازو، نیروی جسمانی و حملات دلیرانه نمایشی از نمایش‌های شجاعت است.

آینه جمال، ص: ۴۰

شجاعت راستین

شجاعت، یکی از فضایل برجسته حسین علیه‌السلام می‌باشد. شجاعت این قهرمان تاریخ، حالتی است نفسانی و روحی که حد وسط بین تهور و جبن است، هرکس واجد آن باشد دارای ضبط نفس خاصی است و عوامل ترس، جبن، کندی، سستی و فتور، و اسباب تندی، بی‌باکی، گستاخی و جسارت بر چنین شخصی مسلط نمی‌شود. این صفت اگر زور بازو، قدرت جسمی و هر قوه و قدرت دیگر را رهبری کند، آن قدرت، مظهر شجاعت خواهد شد در غیر این صورت سبب سرزنش و ملامت می‌گردد.

این صفت از شریف‌ترین صفات فاضله است. ظهور استعدادهای کمال‌آفرین بشر و فعلیت قوای کامله در او به این صفت وابسته می‌باشد.

آینه جمال، ص: ۴۱

معیار بقای امت‌ها

هر ملتی که افراد آن از شجاعت روحی و اخلاقی بهره‌مند نباشند رهسپار دیار نیستی خواهد شد و به زودی تحت تسلط بیگانگان قرار خواهد گرفت.

وجود و بقای امت‌ها و عزت و سربلندی آنها وابسته به میزان بهره‌مندی آنها از شجاعت است.

محافظه کاری، احتیاطات بی‌جا، عوام فریبی، ترس از انتقاد، جلوگیری از آزادی دیگران، اختناق افکار، تندروری‌ها، جسارت‌های جنون آمیز، باختن روحیه و ناشکیبی، ستمگری و وطن فروشی، خیانت به ملت و پیشه کردن سیاست محافظه کارانه در امور و راضی شدن به بی‌شرفی و بی‌آبرویی، همه کاشف از نداشتن صفت شجاعت است.

چنانچه ضبط نفس، خویشتن داری، صراحت لهجه، مقاومت در برابر ناملایمات و سختی‌های روزگار، بیم نداشتن از انتقاد و احترام به آزادی دیگران، ناشی از ملکه شجاعت می‌باشد.

تمام مظاهر این شجاعت در حسین علیه‌السلام تجلی یافته بود. روح و جسم او مرکز نمایش عالی‌ترین مرتبه شجاعت بود تا جایی که «شجاعه الحسینیه» ضرب المثل گشت.

آینه جمال، ص: ۴۲

در رزمگاه حسین علیه‌السلام

وقتی حسین علیه‌السلام به قصد کوفه حرکت کرد، ابن زیاد از شنیدن این خبر، ناراحت و نگران گردید. او بیست هزار نفر را برای نبرد با حضرت فرستاد و به آنها امر کرد تا برای یزید از آن حضرت بیعت بگیرند و اگر بیعت نکرد او را بکشند. وقتی به او پیشنهاد بیعت شد، نپذیرفت و به جد و پدرش تاسی نمود و به تحمل ظلم و زور و ننگ و عار، راضی نگشت؛ شجاعت هاشمیه را آشکار کرد و با اینکه خود، اهل بیت، عزیزان، کسان و اصحابش را محاصره کرده و هدف نیزه و تیر قرار دادند، در جهاد، ثابت‌قدم ماند و با شهامت عالی بدون اضطراب و با قوت قلب در چنین موقعیت خطیری پایداری نمود و ندا سر داد:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ مَا رَأَيْتُ أُعْدَرَ مِنْكُمْ قُبْحًا لَكُمْ، وَ تَعَسَا لَكُمْ الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ. اسْتَضْرَحْتُمُونَا فَأَتَيْنَاكُمْ، وَ اسْرَعْتُمْ إِلَى بَيْعَتِنَا سُرْعَةَ الدَّبَابِ وَ لَمَّا اتَيْنَاكُمْ تَهَاوَيْتُمْ تَهَاوَيْتَ الْفَرَّاشَ، وَ سَلَّمْتُمْ عَلَيْنَا سِيُوفَ اَعْدَائِنَا مِنْ غَيْرِ عَدَلٍ اَفْشَوْهُ فِيكُمْ، وَ لَادَنْبَ مَنَا كَانَ الْيُكُومُ اِلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ثُمَّ حَمَلَ عَلَيْهِمْ، وَ سَيْفُهُ مُصَلَّتْ فِي يَدِهِ وَ هُوَ يُنْشِدُ:

أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الْجَبْرِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ كَفَانِي بِهَذَا مَفْخَرًا حِينَ أَفْخُرُ

ای مردم کوفه! عهد شکن تر از شما ندیده‌ام؛ زشتی، هلاکت، نابودی و شقاوت بر شما باد که به ما استغاثه کردید، و ما را به یاری خود خواندید، ما دعوت شما را پذیرفتیم و شما به سوی

آینه جمال، ص: ۴۳

بیعت ما مانند مگس، شتاب گرفتید! اکنون که به سوی شما آمدیم مانند پروانه سبک فرو ریختید، و به سوی شر و بدی رو کردید و شمشیرهای دشمنان ما را به روی ما کشیدید بی آنکه آنها عدل و دادی در میان شما فاش کنند، و از ما گناهی نسبت به شما صادر شده باشد. آگاه باشید که لعنت خدا بر ستم کاران است! پس بر آن مردم غدار با شمشیر از نیام کشیده حمله می‌کرد و می‌فرمود:

من فرزند علی آن مرد عالم صالح هستم از آل هاشم و در مقام مفاخره، این افتخار برای من بس است. [۲۹]

«او همواره جهاد می‌کرد تا بسیاری از شجاعان سپاه کوفه را به خاک هلاکت انداخت و در دریای جنگ فرو می‌رفت و از مرگ، اندیشه

آینه جمال، ص: ۴۴

نمی‌کرد.» [۳۰]

ابن ابی الحدید می‌نویسد: «کیست در شجاعت مانند حسین بن علی علیه‌السلام که در میدان کربلا گفتند: ما شجاع‌تر از او کسی را ندیدیم در حالی که انبوه مردم بر او حمله‌ور شده، و از برادران، اهل و یاران جدا شده باشد، مانند شیر رزمنده، سواران را درهم

می شکست و چه گمان می بری به مردی که راضی به پستی نشد، و دست در دست آنها نگذارد تا کشته شد.» [۳۱]

آینہ جمال، ص: ۴۵

فصل دهم: روح پر شکوه

عظمت در تصمیم

عظمت در تصمیم به معنای عزم راسخ داشتن به انجام و پایان کار، به طوری که هیچ گاه و به هیچ گونه از عزم خود باز نگردد، و در تصمیم خود سستی نرزد؛ از آغاز کار، ملاحظه پایان و عاقبت آن را بنماید و هشیارانه تصمیم بگیرد.

اکنون بخوانید که حسین علیه السلام چگونه با پیش بینی پایان کار، وارد میدان شد و سخنان او چگونه از شعور خطیرش بر می خاست. آنگاه که عزم خروج از مکه و سفر به عراق را داشت این خطبه را خواند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي رَسُولِهِ خُطَّ الْمَوْتُ عَلَي وُلْدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقَلَادَةِ عَلَي جِيدِ الْفَتَاهِ، وَ مَا أَوْلَهَنِي إِلَي اسْلَافِي اسْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَي يُوسُفَ، وَ خَيْرَ لِي مَضْرَعٌ أَنَا لِأَقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعَهَا عُشْلَانُ الْفَلَوَاتِ بَيْنَ النَّوَائِسِ، وَ كَرَبَلَا فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا، وَ أَجْرِبَهُ سَغْبًا لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ رَضَى اللَّهُ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصَبٌ عَلَي بِلَائِهِ، وَ يُؤَفِّقُنَا أَجْوَرَ الصَّابِرِينَ لَنْ تَشُدَّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ لِحُمَّتِهِ بَلْ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ تَقْرَأُ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ يَنْجِزُ بِهِمْ وَعْدَهُ إِلَّا

آینہ جمال، ص: ۴۶

فَمَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مَوَاطِنًا عَلَي لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسُهُ فَلْيَزْحَلْ مَعَنَا فَانْتِي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. [۳۲]

سپاس برای خداست و آنچه خواست اوست می شود و نیرویی جز به خدا نیست و درود خدا بر پیغمبرش.

مرگ بر فرزندان آدم نوشته شده و آنها را احاطه کرده، مانند گردن بند بر گردن دختر جوان. من بسیار مشتاق به دیدار گذشتگان خویشم همان گونه که یعقوب مشتاق دیدار یوسف بود. برای من قتلگاهی است که من آن را خواهم دید. گویا می بینم که در میان نوایس و کربلا، گرگان بیابان، رگ های مرا پاره می کنند تا شکم های گرسنه خود را سیر نمایند. از چنان روزی که با قلم قضا نوشته شده گریزی نیست، رضای خدا رضای ما خاندان است. بر بالای او صبر می کنیم تا به ما مزد صابران عطا فرماید. هرگز پاره تن پیغمبر از او جدا نشود، بلکه با او در حظیره قدس در یک جا باشد، چشمش به پاره های تنش روشن شود و به واسطه ایشان به وعده خود وفا کند.

آگاه باشید! هر کس از ریختن خون خویش در راه ما دریغ ندارد، و دل به شهادت و لقای خدا می نهد با ما کوچ کند که من بامداد کوچ خواهم کرد. ان شاء الله تعالی.

این بود منطق حسین، و سخنان شور انگیز و قاطع او در برابر کسانی که وی را از تصمیمی که داشت باز می داشتند.

بسا اشخاصی که هدف و مبدأ بزرگی را در نظر می گیرند و برنامه هایی عالی اعلام می کنند، اما در میانه راه، آن گاه که در برابر خطر قرار گرفتند

آینہ جمال، ص: ۴۷

برنامه را فراموش می کنند یا هنگامی که مال، اعتبار و مقامی به آنها پیشنهاد کردند مال و مقام یا شهوت رانی، آنها را ذلیل و بیچاره ساخته و از هدف خود چشم پوشی می نمایند؛ این افراد از هدف خود دست می کشند. اینان علاوه بر آنکه در میدان فضیلت، سهمی نصیبشان نمی شود دامانشان به عیب و ننگ، آلوده می گردد و اگر از آغاز سخنی نمی گفتند و برنامه ای اعلام نمی کردند شرافت و ایمانشان کمتر زیان می دید.

آینه جمال، ص: ۴۸

عزم حسینی

حسین علیه‌السلام در اینجا نیز مانند جد و پدرش از تمام کسانی که برای حق و به نام عدل قیام کردند برنده میدان بود، و وقتی با همه نوع خطری مواجه شد و گونه‌های اسبابی که دیگران را ناچار به تسلیم می‌ساخت فراهم گشت، فرمود:

لَا وَاللَّهِ لَا أَعْطِيكُمْ يَدِي أَعْطَاءَ الدَّلِيلِ، وَلَا أَوْفِرُ فِرَارَ الْعَبِيدِ يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تُرْجَمُونَ أَعُوذُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مَتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ. [۳۳]

نه، به خدا سوگند! به خواری دست در دست شما نمی‌گذارم و چون بندگان از جهاد فرار نمی‌کنم. ای بندگان خدا! من پناه می‌برم به پروردگار خودم و پروردگار شما از اینکه مرا سنگباران کنید، و پناه می‌برم به خدا از هر متکبری که ایمان به روز قیامت ندارد. و نیز فرمود:

ثُمَّ أَيُّمُ اللَّهِ لَا تَلْبِثُونَ بَعِيدَهَا أَلَا كَرِيثٌ مَا يُرَكَّبُ الْفَرَسُ حَتَّى تَدُورَ بِكُمْ دَوْرَ الرَّحَى، وَ تَفْلُقَ بِكُمْ قَلَقَ الْمَحْوَرِ عَهْدٌ عَهْدُهُ إِلَى أَبِي عَن جَدِّي فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ، وَ شَرِّكَائِكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ

أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غَمَةً ثُمَّ أَقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُونَنِّي إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ أَلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا إِنَّ

آینه جمال، ص: ۴۹

رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ [۳۴]

به خدا سوگند! بعد از من درنگ نکنید مگر به مقداری که کسی بر اسب نشیند، تا روزگار بر شما چون آسیاب گردد و چون محور، مضطرب شوید؛ عهده‌ای است که پدرم از جدم مرا به آن خبر داده است. پس شما کار خود را فراهم کنید و همکارانتان را گرد آورید و بر من بتازید و مرا مهلت ندهید، من بر خدایی که پروردگار من و شماست توکل کرده‌ام، هیچ جنبنده‌ای نیست مگر آنکه ناصیه او به دست خداست، به درستی که پروردگار من بر صراط مستقیم است.

آینه جمال، ص: ۵۰

عظمت در مردانگی

در این عظمت نیز حسین علیه‌السلام مقامی عجیب و سخت شگفت‌انگیز داشت و مردانگی در وجود او به حد اکمل نمایش یافت. شاید برجسته‌ترین موارد ظهور مردانگی آن حضرت، زمانی بود که سپاه کفرپیشه، او و اصحابش را تیر باران نمودند. حسین علیه‌السلام برخاست نگاهی به آن تیرها و نگاهی به اصحاب کرد؛ سپس فرمود:

قَوْمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَى الْمَوْتِ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ فَإِنَّ هَذِهِ السَّهَامَ رُسُلُ الْقَوْمِ إِلَيْكُمْ

بر خیزید! خدا شما را رحمت کند، و از مرگی که چاره‌ای از آن نیست پیشواز نمایید، اینک این تیرها فرستاده‌های این مردم به سوی شمایند.

اصحاب برخاستند و ساعتی را با آنها نبرد کردند تا جمعی از آنان به شهادت رسیدند. در این هنگام حسین، دست بر محاسن شریف زد و فرمود:

أَشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ إِذْ جَعَلُوا لَهُ وَلَدًا، وَأَشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى النَّصَارَى إِذْ جَعَلُوهُ ثَالِثَ ثَلَاثَةٍ، وَأَشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى الْمَجُوسِ إِذْ عَبَدُوا الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دُونَهُ، وَأَشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى

قَوْمِ أَنْفَقَتْ كَلِمَتَهُمْ عَلَى قَتْلِ ابْنِ بَنِي نَبِيِّهِمْ أَمَا وَاللَّهِ لَا أَجِيبُهُمْ إِلَى شَيْءٍ مِمَّا يُرِيدُونَ حَتَّى الْقَى اللَّهُ وَأَنَا مُخَضَّبٌ بِدَمِي [۳۵]

آینه جمال، ص: ۵۱

خشم خدا بر یهود شدت یافت وقتی برای او فرزندی قرار دادند، و غضب خدا بر نصارا سخت شد وقتی او را ثالث ثلاثه خواندند. و غضب خدا بر مجوس سخت شد وقتی آفتاب و ماه را به جای خدا پرستیدند، و خشم خدا شدت یافت بر قومی که هم کلام و متفق برای کشتن پسر دختر پیغمبر خودشان شدند، به خدا آنها را به آنچه می‌خواهند جواب نمی‌دهم تا اینکه خدا را ملاقات کنم در حالی که به خون خود خضاب شده باشم.

جمله‌ای که از مردانگی حسین هراس‌انگیز است این است که فرمود:

قُومُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَى الْمَوْتِ

و دیگر اینکه فرمود:

أَمَا وَاللَّهِ لَا أَجِيئُهُمْ ...

این دو جمله با کمال وضوح، مردانگی حسین علیه‌السلام را آشکار می‌سازد که در چنان موقف مهیب و وحشتناکی هیچ گونه بیم و هراس، شکست و خودباختگی بر وجود او مستولی نگشت؛ اصحاب را به استقبال از مرگ دعوت فرمود مانند آنکه آنها را برخوان لذیذترین غذاها بخواند.

و به حق هم آن مرگی که حسین به آن دعوت می‌کرد، لذت‌بخش بود؛ زیرا او می‌خواست با باطل نبرد کند و برهان خداوند که مبدأ او بود، در پیش چشمانش ترسیم شود و صدای خدا را که صدای ضمیر و وجدان پاک و ایمان سرشارش بود می‌شنید و جز این کلمات چیزی دیگر نمی‌دید: خدا، پیغمبر خدا، قرآن (کتاب خدا).

این نوشتار، مجال آن را ندارد که پیرامون شجاعت روحی و بدنی

آینه جمال، ص: ۵۲

حسین، سخن راند پس بهتر این است که به همین مقدار قناعت کرده و خوانندگان گرامی را به مطالعه کتاب‌های مقتل و تفکر در تاریخ زندگی آن حضرت دعوت کنیم.

آینه جمال، ص: ۵۳

فصل یازدهم: کوه صبر

جایگاه صبر

این صفت از اصول اخلاقی حمیده و ملکات پسندیده است و آیات شریفه و احادیث در فضیلت آن بسیار گفته‌اند، بیش از هفتاد موضع در قرآن از صبر سخن می‌گوید:

أِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ [۳۶]

وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ [۳۷]

وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ [۳۸]

روایات بسیاری نیز درباره صبر وارد شده است و از روایات، این حدیث معروف و معتبر، کافی است:

الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَلَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ [۳۹]

از حضرت امیرالمؤمنین نیز روایت است:

آینه جمال، ص: ۵۴

أَطْرَحَ عَنْكَ وَارِدَاتِ الْهُمُومِ بِعَزَائِمِ الصَّبْرِ، وَحُسْنِ الْيَقِينِ [۴۰]

و از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در حدیث است که فرمود:

آزمایش کردیم، و آزمایش کنندگان آزمایش کردند، ندیدیم چیزی را که وجودش سودمندتر و عدمش زیان بارتر از صبر، باشد. با صبر همه امور مداوا می گردد، و صبر به غیر خود مداوا نمی شود.

راغب می گوید: الصَّبْرُ حَبْسُ النَّفْسِ عَلَى مَا يَفْتَضِيهِ الْعَقْلُ وَالشَّرْعُ أَوْ عَمَّا يَفْتَضِيَانِ حَبْسَهَا عَنْهُ [۴۱]؛ صبر، وادار کردن نفس است بر طبق فرمان عقل و شرع، یا حبس و باز داشتن نفس است از آنچه عقل و شرع بازداشتن نفس را از آن لازم می شمارند.

آینه جمال، ص: ۵۵

مرد صبر

حسین علیه السلام در مقام صبر، امتحانی داد که دوست و دشمن از عظمت آن در شگفتی ماندند و حتی فرشتگان آسمان نیز از آن صبر و شکیبایی در تعجب فرو رفتند.

برحسب فقره زیارت ناحیه مقدسه:

وَقَدْ عَجَبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ [۴۲]

ظهور این فضیلت از آن حضرت به نوعی شد که سخن از صبر و خویشتن داری آن امام شهید، توضیح واضح است. با این حال، از جهت فایده اخلاقی چند قسم از اقسام عالی صبر را بیان می کنیم و سپس موقف عظیم و بی نظیر آن حضرت را در هریک نشان می دهیم.

آینه جمال، ص: ۵۶

صبر در جهاد

صبر در جهاد این است که مجاهد راه خدا به واسطه ایجاد جراحات و زخم اسلحه، پشت به میدان نکند و از زخم های کاری، پریشان خاطر نشود و روحیه اش از یورش و حمله دسته جمعی قوای مسلح دشمن ضعیف نگردد.

یکی از علل فتوحات مسلمانان در صدر اسلام این بود که مسلمین برای کسب ثواب و فوز به قرب خدا در میدان های نبرد، آسوده خاطر و با اطمینان، صابرانه جهاد می کردند. قرآن این مردم را مدح نموده، و از صبر آنان تمجید کرده است:

وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَحِينَ الْبَأْسِ [۴۳]

و در آیه ای دیگر می فرماید:

كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً

بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ [۴۴]

این افتخار در میدان های جهاد اسلامی در درجه نخست نصیب علی علیه السلام و خاندان پاکش بود. آنان در هیچ یک از جنگ ها از جهاد، روی

نگرداندند. علی علیه السلام در جنگ بدر، حنین، احزاب و غزوات دیگر شرکت داشت. او در نهایت صبر و تحمل، ثابت قدم بود به طوری که در

آینه جمال، ص: ۵۷

جنگ احد، نود جراحت بر بدنش وارد شد اما همچنان می جنگید و از پیغمبر و اسلام مردانه و صادقانه دفاع می نمود. برادر آن

حضرت، جعفر بن ابی طالب در جنگ موته بیش از هفتاد زخم شمشیر و نیزه بر بدنش وارد شد. آن مجاهد راه خدا، پرچم اسلام را نگاه داشت تا دست‌هایش را قطع کردند و همچنان ثبات ورزید تا او را برحسب بعضی تواریخ، به دو نیمه ساختند. حسین علیه‌السلام به روایت ابن اثیر و مسعودی و نقل عقاد، سی و سه طعن نیزه و سی و چهار زخم شمشیر و خنجر برداشت که این شصت و هفت زخم به غیر از زخم تیرها بود.

عقاد نقل می‌کند: «مجموع جراحاتی که اثر آن در لباس امام حسین علیه‌السلام هویدا بود صد و بیست جراحت بود؛ حتی از بعضی روایات استفاده می‌شود که مجموع جراحات وارده از شمشیر، تیر، نیزه و سنگ بر آن بدن عزیز خدا بیش از سیصد و ده جراحت بوده است و تمام این زخم‌ها از پیش رو و سینه مطهر بر آن حضرت رسیده بود.» [۴۵]

حسین علیه‌السلام با این کثرت جراحات باز هم جنگ می‌کرد و رجز می‌خواند و تا ممکن بود سواره و سپس پیاده به سپاه دشمن مردانه حمله می‌کرد؛ حتی آن وقتی که بر زمین می‌افتاد با کمک شمشیر برمی‌خاست و آن مردمی که ننگ عالم انسانیت شدند را از خود دور می‌گرداند و دفاع می‌کرد و صبر می‌نمود. آینه جمال، ص: ۵۸

صبر بر بلا

این نوع صبر از صبر بر جراحات و آلام بدنی به مراتب دشوارتر و طاقت‌فرساتر است. اما حسین علیه‌السلام، که صبر و شکیبایی‌اش از کوه‌های عالم بیشتر بود در داغ مرگ جوانان و برادران، و مصیبت بهترین اصحاب و یاران که همه را با لب تشنه در پیش رویش به فجع‌ترین وضعیتی به شهادت می‌رساندند و بدنشان را پاره پاره می‌کردند، صبری کرد که از آغاز عالم تا به حال، چنان صبری از کسی آشکار نشده است.

آغوش آن امام، قتلگاه طفل شش ماهه‌اش گردید.

برادر زاده سید شهیدان کربلا در آغوش آن امام مظلوم به شهادت رسید.

کودک خردسال دیگرش را که لرزان از خیمه بیرون آمده بود با ضربت عمود، تشنه کام کشتند.

او در تمام این مصیبت‌جانگانه، صبر کرد؛ حتی کودکی را که شمشیر

دشمن دستش را قطع کرده بود مانند مردان دنیا دیده امر به صبر می‌کرد و می‌فرمود:

يَا اِبْنَ اِخِي اضْبِرْ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِكَ، وَ اِخْتَسِبْ فِي ذَلِكِ الْخَيْرَ [۴۶]

ای برادرزاده من! صبر کن بر آنچه که بر تو (از بلاها و مصیبت‌ها) وارد شده و اینها را خیر حساب کن!

آینه جمال، ص: ۵۹

حسین علیه‌السلام اهل بیتش را در معرض اسیری می‌دید و با اینکه این مصیبت برای او، که مجسمه غیرت و مردانگی بود بسیار سخت و جانگداز می‌نمود، صبر فرمود و آنها را به صبر، وقار، خاموشی و خویش‌ن‌داری سفارش می‌کرد و به رحمت خدا مژده داده و می‌فرمود:

وَ رَحْمَةُ اللهِ لِاتْفَارِقُكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ [۴۷]

آینه جمال، ص: ۶۰

صبر در هنگامه غضب

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایت می‌فرماید: «نیرومند کسی است که به هنگام خشم، مالک خویش گردد.» [۴۸]

حسین علیه‌السلام هرگز تحت تأثیر خشم و غضب، کاری را انجام نداد؛ او به هنگام غضب بر خود مسلط بود و اگر تمام عوامل خشم فراهم می‌شد، آن حضرت از طریق اعتدال و میانه‌روی و راه صواب به قدر چشم برهم زدنی بیرون نمی‌شد.

علائلی می‌نویسد: «غلامی از غلامان حضرت، آب بر دست مبارکش می‌ریخت؛ ظرف آب از دست غلام در طشت افتاد، آب طشت بر روی مقدس ایشان پاشید. غلام عرض کرد: ای آقای من! «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ». فرمود: «خشمم را فرو خوردم». غلام گفت: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ». فرمود: «تو را عفو نمودم». عرض کرد: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». [۴۹]

فرمود:

أَذْهَبَ فَأَنْتَ حُرٌّ لِرُؤُوسِهِ اللَّهُ الْكَرِيمُ

برو که تو در راه خدا آزادی! [۵۰]

یکی از نمایش‌های حُسن خلق و کَرَم آن حضرت که نشان می‌دهد آن

آینه جمال، ص: ۶۱

امام شهید در برابر عوامل غضب، خشم و کینه، کمال قدرت و ایستادگی را داشت، سیراب کردن لشکر حَرّ است. وقتی که لشکر حَرّ در گرمگاه روز رسیدند و حضرت، تشنگی را مشاهده کرد فرمان داد تا به آنها و اسب‌هایشان آب بیاشامند. برحسب امر امام، تمام سپاه دشمن را از مرد و مرگب، سیراب کردند و بر پاها و شکم چهارپایانشان آب پاشیدند.

علی بن طعان محاربی گفت: «من پس از همه رسیدم؛ آن بحر کَرَم و نور دیده ساقی کوثر مرا به آن حال دید؛ به زبان مبارک و در نهایت لطف و مرحمت به لغت حجاز فرمود:

يَا بَنَ أَخِي أَنْخِ الرَّاويَةَ

برادرزاده! شتر را بخوابان.

من معنای کلام امام را ندانستم، امام دانست که نفهمیدم پس فرمود:

أَنْخِ الْجَمَلَ

شتر را بخوابان.

من شتر را خوابانیدم. سپس فرمود:

أَخِثِ السِّقَا

دهانه مشک را بر گردان و آب بنوش!

من نتوانستم. امام پیش آمد و دهانه مشک را به دست مبارک پیچید تا آب نوشیدم. [۵۱]

آینه جمال، ص: ۶۲

از نمونه‌های دیگر صبر آن حضرت، امتناع او از شروع جنگ بود. با اینکه می‌دانست آن لشکر کفر پیشه به هیچ وجه بر او و عزیزانش رحم نمی‌کنند و با اینکه از آنها رفتارها و حرکاتی سر می‌زد که صبر بر آن اعمال نکوهیده، دشوار بود آن حضرت، حجت را بر آنها تمام ساخت و نه خود و نه اصحابش دست به اسلحه نبردند.

چون نامه ابن زیاد به حَرّ رسید و در آن دستور داده بود که حَرّ بر حسین علیه‌السلام کار را تنگ بگیرد و ایشان را در بیابانی بی‌آب و سبزه فرود آورد زهیر بن القین به امام عرض کرد: «به خدا قسم! آن سپاهی که پس از اینها بیابند بسی بیشتر باشند، اجازه بده تا هم اکنون با این گروه نبرد کنیم.» آن حضرت فرمود: «من ابتدا جنگ را شروع نمی‌کنم.»

همچنین وقتی آب را بر روی امام و اصحابش بسته بودند و همه لشکریان آن حضرت از زن و مرد، کوچک و بزرگ، جوان و پیر، بیمار و

سالم، حتی اسب‌ها و مراکب، تشنه بودند و صیحه تشنه کامان همواره به گوش امام می‌رسید، ایشان از شروع جنگ، خودداری فرمود.

حتی زمانی که جرثومه شرارت و خبثت، شمر ملعون روز عاشورا به خیام طاهره نزدیک شد و در پیرامون خیمه‌های جلالت و عظمت می‌گردید تا نقطه‌ای را که از آنجا می‌توان به خیام و لشکر گاه امام، حمله کرد معین سازد، خندقی را دید که آتش در آن افروخته‌اند؛ بانگ برداشت و به امام جسارت کرد. مسلم بن عوسجه که در تیراندازی مهارت داشت اجازه خواست شمر را با تیر بزند و زمین را از لوث وجود خبیث آن دشمن خدا پاک سازد. حضرت اجازه نفرمود؛ زیرا از شروع کردن جنگ آینه جمال، ص: ۶۳

کراحت داشت؛ [۵۲] مثل اینکه می‌خواست جنگش با آنها صورت دفاع داشته باشد.

یکی دیگر از نمونه‌های گذشت، عفو و صبر آن حضرت، که دلیل بر عزم محکم، قوت تصمیم و بلندی همت ایشان است، قبول توبه حرّ و آن همه ملاطفت و محبتی است که نسبت به او از آن معدن صبر، حلم، عفو و بخشش صادر شد. صبر و گذشت امام نسبت به حرّ مصداق بارزی از مفاد سخن پروردگار است که فرمود:

وَلِمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ [۵۳]

آینه جمال، ص: ۶۴

صبر بر تشنگی

این نوع شکیبایی سخت دشوار است، به خصوص اگر تشنگی در نهایت شدت باشد. تسلیم نشدن به دشمن با زحمت تشنگی، علامت تصمیم و عزم راسخ و فوق العاده است. شاید در تاریخ موردی نباشد که آب را بر روی طرف مقابل بسته باشند و او از تسلیم خودداری کرده باشد.

برحسب تواریخ و کتاب‌های معتبر مقتل، از روز هفتم محرم آب را بر روی آن حضرت و خاندان و اصحابش بستند. از آن روز تا روز عاشورا اگر هم یکی دو مرتبه به وسیله حفر چاه و کوشش حضرت عباس، قمر بنی هاشم، آبی تهیه شد، بالطبع سالمندان و بزرگان از آن استفاده نمی‌کردند و فقط اطفال و خردسالان و مراکب زبان بسته را یکی دو وعده با آن سیراب کردند؛ بنابراین داستان تشنگی امام علیه‌السلام فوق العاده غم‌انگیز و شکیبایی آن حضرت بر رنج تشنگی تحیرآمیز است.

کسانی که گرمای عراق را دیده‌اند می‌دانند که تحمل چند ساعت تشنگی در آنجا طاقت فرساست. زحمت جهاد در آفتاب سوزان، کثرت جراحات و ریزش خون، همه باعث شدت تشنگی است اما آن امام تشنه‌کام بر این رنج عظیم، صبر فرمود و تسلیم آن ناکسان نگردید. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ.

آینه جمال، ص: ۶۵

صبر در بندگی

کاملاً آشکار است که ظهور تمام اقسام صبر از آن حضرت، به منظور اطاعت فرمان خدا بود، و ایشان برای امتثال امر خدا از آن همه بلا و مصیبت استقبال کرد و پیشنهادهایی که دوستان یا دشمنان به او دادند مبنی بر اینکه با یزید بیعت کند یا به نحوی با وی به سازش و سکوت، رفتار نماید را نپذیرفت و رد کرد.

آری! شخصیت عظیم، مناقب و کرامت‌های اخلاقی حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام در هر ناحیه به حدی وسیع است که با بسط مقال یا تألیف کتاب‌های مستقل هم نمی‌توان جمال آن آفتاب حقیقت و خُلق و خوی آن آینه راستی را نشان داد؛ از این رو ناچار

به ایجاز و اختصار پرداختیم و به طور جامع و مختصر می‌گوییم که آن حضرت در علم، معرفت، حلم، فصاحت، بلاغت و خلق و خوی، سرآمد تمامی مخلوقات بود.
آئینه جمال، ص: ۶۶

آثار علمی حضرت آیت الله العظمی صافی

نام کتاب-----زبان-----ترجمه

فقه:

- ۱- توضیح المسائل-----فارسی-----
- ۲- منتخب الاحکام-----فارسی-----
- ۳- احکام نوجوانان-----فارسی-----انگلیسی
- ۴- جامع الاحکام در ۲ جلد-----فارسی-----
- ۵- استفتائات قضایی-----فارسی-----
- ۶- استفتائات پزشکی-----فارسی-----
- ۷- مناسک حج-----فارسی-----عربی
- ۸- مناسک عمره مفرده-----فارسی-----عربی
- ۹- هزار سؤال پیرامون حج-----فارسی-----
- ۱۰- پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد-----فارسی-----
- ۱۱- اعتبار قصد قربت در وقف-----فارسی-----
- ۱۲- رساله در احکام ثانویه-----فارسی-----
- ۱۳- فقه الحج در ۴ جلد-----عربی-----
- ۱۴- هدایه العباد در ۲ جلد-----عربی-----
- ۱۵- هدایه السائل-----عربی-----
- ۱۶- حواشی علی العروه الوثقی-----عربی-----
- ۱۷- رسائل الخمس فی فقه الإمامیه-----عربی-----
- ۱۸- صلاة المسافر-----عربی-----
- ۱۹- فقه الخمس-----عربی-----
- ۲۰- أوقات الصلوة-----عربی-----
- ۲۱- الاحکام الشرعیة ثابتة لاتتغیر-----عربی-----فارسی
- آئینه جمال، ص: ۶۷
- ۲۲- التعزیر (احکامه و ملحقاته)-----عربی-----
- ۲۳- ضرورة وجود الحكومة او ولاية الفقهاء فی عصر الغیبة (الخمس و ولاية الفقیه)-----عربی-----فارسی
- ۲۴- رساله فی معاملات المستحدثه-----عربی-----

- ۲۵- التداعی فی مال من دون بینة و لا ید----- عربی
- ۲۶- رسالۀ فی المال المعین المشتبه ملکیتہ----- عربی
- ۲۷- حکم نکول المدعی علیه عن الیمین----- عربی
- ۲۸- ارث الزوجة----- عربی
- ۲۹- مع الشیخ جاد الحق فی ارث العصبه (مسألۀ التعصیب)----- عربی
- ۳۰- حول دیات ظریف ابن ناصح----- عربی
- ۳۱- بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعیۀ الاستخارۀ)----- عربی
- ۳۲- الشعائر الحسینیہ----- عربی
- ۳۳- آنچه هر مسلمان باید بداند----- ترکی
- اصول فقه:
- ۳۴- بیان الاصول در ۳ جلد----- عربی
- ۳۵- رسالۀ فی الشهره----- عربی
- ۳۶- رسالۀ فی حکم الاقل و الاکثر فی الشبهه الحکمیة----- عربی
- ۳۷- رسالۀ فی الشروط----- عربی
- قرآن و تفسیر:
- ۳۸- تفسیر آیه فطرت----- فارسی
- ۳۹- القرآن مصون عن التحریف----- عربی
- ۴۰- تفسیر آیه التظہیر----- عربی
- آینه جمال، ص: ۶۸
- ۴۱- تفسیر آیه الانذار----- عربی
- عقاید و کلام
- ۴۲- عرض دین----- فارسی
- ۴۳- به سوی آفریدگار----- فارسی
- ۴۴- الهیات در نهج البلاغه----- فارسی
- ۴۵- معارف دین ۲ جلد----- فارسی
- ۴۶- پیرامون روز تاریخی غدیر----- فارسی
- ۴۷- ندای اسلام از اروپا----- فارسی
- ۴۸- نگرشی بر فلسفه و عرفان----- فارسی
- ۴۹- نیایش در عرفات----- فارسی
- ۵۰- سفرنامه حج----- فارسی
- ۵۱- شهید آگاه----- فارسی
- ۵۲- نوید امن و امان----- فارسی
- ۵۳- پاسخ ده پرسش----- فارسی

- ۵۴- اصالت مهدویت----- فارسی-----
- ۵۵- تجلی توحید در نظام امامت----- فارسی----- عربی
- ۵۶- نظام امامت و رهبری----- فارسی-----
- ۵۷- ولایت تکوینی و ولایت تشریحی----- فارسی-----
- ۵۸- پیرامون معرفت امام----- فارسی-----
- ۵۹- عقیده نجات بخش----- فارسی-----
- ۶۰- به سوی دولت کریمه----- فارسی-----
- ۶۱- باورداشت مهدویت----- فارسی----- عربی
- ۶۲- انتظار، عامل مقاومت و حرکت----- فارسی-----
- ۶۳- فروغ ولایت در دعای ندبه----- فارسی----- عربی
- ۶۴- معرفت حجت خدا----- فارسی-----
- ۶۵- وابستگی جهان به امام زمان----- فارسی-----
- ۶۶- توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه----- فارسی----- انگلیسی
- آئینه جمال، ص: ۶۹
- ۶۷- امامت و مهدویت----- فارسی-----
- ۶۸- پیام‌های مهدوی----- فارسی-----
- ۶۹- گفتمان مهدویت----- فارسی----- انگلیسی
- ۷۰- گفتمان عاشورایی----- فارسی-----
- ۷۱- مقالات کلامی----- فارسی-----
- ۷۲- الی‌هدی کتاب الله----- عربی-----
- ۷۳- ایران تسمع فتجیب----- عربی-----
- ۷۴- رساله حول عصمه الانبیاء و الائمة----- عربی-----
- ۷۵- تعلیقات علی رساله الجبر و القدر----- عربی-----
- ۷۶- لمحات فی الكتاب و الحدیث و المذهب----- عربی-----
- ۷۷- صوت الحق و دعوۃ الصدق----- عربی-----
- ۷۸- رد اکذوبه خطبه الامام علی، علی الزهرا علیهما السلام----- عربی-----
- ۷۹- مع الخطیب فی خطوطه العریضه----- عربی----- اردو/فرانسه
- ۸۰- رساله فی البداء----- عربی-----
- ۸۱- جلاء البصر لمن یتولی الائمة الاثنی عشر----- عربی-----
- ۸۲- حدیث افتراق المسلمین علی ثلاث و سبعین فرقه----- عربی-----
- ۸۳- من لهذا العالم؟----- عربی-----
- ۸۴- بین العلمین، الشیخ الصدوق و الشیخ المفید----- عربی----- فارسی
- ۸۵- مقدمات مفصله علی «مقتضب الاثر» و «مکیال المکارم» و «منتقی الجمال»----- عربی-----

- ۸۶- امان الائمة من الضلال والاختلاف ----- عربی -----
- ۸۷- البكاء على الامام الحسين عليه السلام ----- عربی -----
- آینه جمال، ص: ۷۰
- ۸۸- النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالاخبار الدخيلة ----- عربی -----
- حدیث:
- ۸۹- منتخب الاثر در ۳ جلد ----- عربی ----- اردو /
انگلیسی
- ۹۰- قبس من مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام
(مئة و عشر حدیث من کتب عامه) ----- عربی ----- فارسی
- ۹۱- احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها ----- عربی -----
- ۹۲- احادیث الفضائل ----- عربی -----
- ۹۳- پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام ----- فارسی -----
- تاریخ:
- ۹۴- سیرحوزه‌های علمی شیعه ----- فارسی -----
- ۹۵- رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی) ----- فارسی -----
- سیره:
- ۹۶- پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام ----- فارسی -----
- ۹۷- با عاشورایان ----- فارسی -----
- ۹۸- آینه جمال ----- فارسی -----
- ۹۹- از نگاه آفتاب ----- فارسی -----
- ۱۰۰- اشک و عبرت ----- فارسی -----
- تربیتی:
- ۱۰۱- ماه مبارک رمضان، مکتب عالی تربیت و اخلاق ----- فارسی -----
- ۱۰۲- راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر ----- فارسی -----
- ۱۰۳- با جوانان ----- فارسی -----
- شعر:
- ۱۰۴- دیوان اشعار ----- فارسی -----
- آینه جمال، ص: ۷۱
- ۱۰۵- بزم حضور ----- فارسی -----
- ۱۰۶- آفتاب مشرقین ----- فارسی -----
- ۱۰۷- صحیفه المؤمن ----- فارسی -----
- ۱۰۸- سبط المصطفی ----- فارسی -----
- ۱۰۹- در آرزوی وصال ----- فارسی -----

مقاله‌ها و خطابه‌ها:

۱۱۰- حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)----- فارسی-----

۱۱۱- شب پرگان و آفتاب----- فارسی-----

۱۱۲- شب عاشورا----- فارسی-----

۱۱۳- صبح عاشورا----- فارسی-----

تراجم:

۱۱۴- زندگانی آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی----- فارسی-----

۱۱۵- زندگانی جابر بن حیان----- فارسی-----

۱۱۶- زندگانی بوداسف----- فارسی-----

آینه جمال، ص: ۷۲

(Reflection of Elegance (Ayenaye Jamal

sa (niasuH mamI fo scihte eht no ecnalG (

inagyapluG ifaaS amzU la hallotayA yB

etoN srehsilbuP

snossel lautirips dna lacihte eht lla fo weiver eht si mih gnirebmemer dna seutriv larom.

eht lla fo noitcelfer tnagele na si) hubp (dammahuM tarzaH fo nosdnarg eht ,(sa)niasuH

mamI fo edutirhcluP

It has been centuries that the luminous sun of the sacred life of Imam Husain(as), a

.manifestation of Gods attributes, is illuminating the way for mankind

Acquaintance with Husain(as)and his moral and ethical values is an eternal lesson for

.mankind to organize their lives

Acquaintance with Husain(as)is an acquaintance with humanity, ethics, honor and

.spiritual glory

Reflection of Elegance" is a review of the moral virtues of the leader of martyrs Hazrat"

Husain bin Ali(as), virtues which should be paid special attention towards while reviewing

.) the life of the great Imam) as

The book clearly describes the noble personality of Imam Husain(as)being a collection of the distinguished attributes of a perfect human being and a chosen one by God and a

.picture of greatness, bravery, fortitude, justice or in one word glory and eminence

The book is written by great Muslim scholar Ayatollah al Uzma Saafi, one of the major Shia marjas who has composed more than ۰۰۱ books about Islamic subjects
:"Reflection of Elegance" has been compiled in ۱۱ chapters with these titles"

Chapter ۱. Pulchritude of man

Chapter ۲. Sun of cogitation

Chapter ۳. In gods presence

Chapter ۴. Generosity

[۱] (۱). سوره جمعه، آیه ۲.

[۲] (۲). بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰؛ اگر مسلمانان با داشتن تعالیم پرارزش اخلاقی و برنامه‌های جامع آسمانی، در سیاهی فساد اخلاق گرفتار شوند جای بسی تأسف است و به تقلید از مسیحی‌ها و ملل مغرب زمین، که فاقد مدنیت اخلاقی می‌باشند، از صفات ممتاز اسلامی و آداب پسندیده که موجب مباهات ملل اسلام بود دست شسته و به بی‌عفتی، بی‌غیرتی و هتک شرف، منحرف ساختن جوانان و بانوان و آمیزش دادن آنها با بیگانگان، میگساری، قمار، رقص و توسعه فساد افتخار کنند و مجلات و مطبوعاتی داشته باشند که این روش‌های ناپسند را ترویج و با انتشار داستان‌ها و سرگذشت‌های شهوت انگیز و عکس‌های قبیح، آتش غرایز حیوانی جوانان را روشن سازند.

وضعیت فعلی مسلمین و ضعف کنونی‌شان به علت ملتزم نبودن آنها به احکام اسلام، بیرون شدن امور از برنامه‌های شرعی و جهل به معارف عالی و اهداف اسلامی و ضعف آنها در علوم تجربی و صنعت است. مسلمانان باید با تکمیل صنایع و علوم جدید، خود را از بیگانگان بی‌نیاز کرده و پول‌هایی را که صرف تقلید از روش‌های نکوهیده و آداب زشت غربی‌ها می‌نمایند صرف ترقی علم و صنعت کنند تا هم کشورهای اسلامی در شاهره ترقی به سرعت، گام بردارند و هم از فساد اخلاق و آفات تمدن جدید محفوظ و مصون بمانند.

[۳] (۱). اکنون دنیا در آتش نکبت اخلاقی غربی‌ها می‌سوزد و اضطراب فکری و آشفتگی روحی، میلیاردها انسان را درمانده کرده و هیچ کس از طغیان ناگهانی حرص و آز صاحبان سلاح‌های ویران کننده در امان نیست و هر روز از سوء اخلاق و مظالم آنها مطالبی می‌شنویم و می‌خوانیم که انسان از نقل آن شرمند می‌شود.

آری! مسلمان‌ها باید در فضائل، کرامت نفس، پاکدامنی، عفت و امانت، ملتی نمونه باشند و با تمسک به کلمه توحید و اتحاد، همبستگی اسلامی، از قوی‌ترین ملل دنیا به شمار روند و نباید حرکتی کنند که اجتماع آنها به یک اجتماع مسیحی و اجتماع دوران‌های جاهلیت شبیه‌تر باشد تا به یک اجتماع عالی و درخشان اسلامی.

[۴] (۱). سمو المعنی، ص ۱۰۲.

[۵] (۱). ابوالشهداء، ص ۱۳۶.

[۶] (۱). سمو المعنی، ص ۱۴۸؛ به نقل از تاریخ دمشق، ج ۴، ص ۳۲۳.

[۷] (۱). سمو المعنی، ص ۹۷.

[۸] (۲). سمو المعنی، ص ۱۴۸؛ نظیر این کلمه را یزید در شأن حضرت امام زین العابدین علیه السلام گفت؛ وقتی به او پیشنهاد

کردند که درخواست آن حضرت را بپذیرد، و اجازه دهد به منبر برود، یزید اجازه نداد و گفت: «اگر به منبر برود ما را رسوا می‌سازد.» به او گفتند: «از این نوجوان در چنین حال چه بر خواهد آمد؟» گفت: «شما از کار این خاندان بی‌خبرید: هذا مِنْ اَهْلِ بَيْتٍ قَدْ زُقُوا الْعِلْمَ زَقًا». نفس المهموم، ص ۲۴۲.

[۹] (۱). اسدالغابه، ج ۲، ص ۲۰؛ استیعاب، ج ۱، ص ۳۷۸.

[۱۰] (۲). ابوالشهداء، ص ۷۳.

[۱۱] (۳). استیعاب، ج ۱، ص ۳۸۲؛ اسدالغابه، ج ۲، ص ۲۰؛ تذکره الخواص، ص ۲۴۴؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۹؛ تاریخ ابی الفداء، ج ۲، ص ۱۰۷.

[۱۲] (۱). اسعاف الراغبین، ص ۱۸۳.

[۱۳] (۱). سمو المعنی، ص ۱۵۱ و ۱۵۲. بیهقی در المحاسن والمساوی، ج ۱، ص ۸۹، این حکایت را به نام حضرت حسن علیه السلام یاد کرده و در همین صفحه حکایتی از خود این دو برادر بزرگوار روایت کرده که هر یک صد و پنجاه هزار درهم به یک نفر عطا کردند.

[۱۴] (۱). نظم در السمطین، ص ۲۰۹.

[۱۵] (۱). سمو المعنی، ص ۱۵۲.

[۱۶] (۲). سورة نساء، آیه ۸۶.

[۱۷] (۱). سمو المعنی، ص ۱۵۹؛ ابوالشهداء، ص ۷۲.

[۱۸] (۱). نهج البلاغه، حکمت ۴۸.

[۱۹] (۱). در بعضی از خصوصیات این داستان مانند بعضی اعلام اختلافاتی بین مصادر آن دیده می‌شود. آنچه که ما اجمال آن را نقل کردیم موافق است با نقل شبرای در «الاتحاف»، وابن قتیبه در «الامامة والسیاسة».

[۲۰] (۱). تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۲۵ و ۳۲۶.

[۲۱] (۲). نهج البلاغه، خطبه ۳.

[۲۲] (۳). سمو المعنی، ص ۱۱۹ نقل به معنا.

[۲۳] (۴). سمو المعنی، ص ۱۰۲ نقل به معنا.

[۲۴] (۵). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۱۴.

[۲۵] (۱). نهج البلاغه، خطبه ۵؛ و من درباره مرگ نیستم جز مانند تشنه‌کامی که در پی آب است یا طلب‌کننده‌ای که می‌یابد.

[۲۶] (۲). بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱؛ به راستی که مرگ را جز سعادت نمی‌بینم و زندگی با ستمکاران را جز زحمت و هلاکت.

[۲۷] (۳). مناقب، ج ۴، ص ۶۹.

[۲۸] (۱). مناقب، ج ۲، ص ۲۲۲.

[۲۹] (۱). بقیه ابیات که سزاوار است هر یک از دوستان اهل بیت آن را حفظ باشند این است:

وَجَدَى رَسُولِ اللَّهِ أَكْرَمُ مَنْ مَضَى وَ نَحْنُ سِرَاجُ اللَّهِ فِي الْخَلْقِ نَزْهَرُ

وَ فَاطِمَةُ أُمِّي مِنْ سُلَالَةِ أَحْمَدَ وَ عَمِّي يُدْعَى ذُو الْجَنَاحَيْنِ جَعْفَرُ

وَ فِينَا كِتَابُ اللَّهِ أَنْزَلَ صَادِقًا وَ فِينَا الْهُدَى وَ الْوَحْيُ بِالْخَيْرِ يُذَكَّرُ

وَ نَحْنُ أَمَانُ اللَّهِ لِلنَّاسِ كُلِّهِمْ نَسِيرٌ بِهَذَا فِي الْأَنَامِ وَ نَجْهَرُ

وَ نَحْنُ وِلَاةُ الْحَوْضِ نَشْقَى وَ لَا تَبَايَكُاسِ رَسُولِ اللَّهِ مَا لَيْسَ يُنْكَرُ

وَشَيَعْتُنَا فِي النَّاسِ أَكْثَرُ شَيْعَةٍ وَ مُبْغِضُ نَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُحَسَّرُ - و جدّ من رسول خدا گرامی‌ترین افراد است و ما چراغ‌های خداوندیم که در میان خلق می‌درخشیم.

- فاطمه، مادر من، دختر احمد (رسول خدا) و عموی من جعفر است که به ذوالجناحین (صاحب دو بال) معروف است.

- درباره ما کتاب خدا به حقیقت نازل شده و هدایت و وحی در خانواده ما به خوبی یاد می‌شود.

- و ماییم امان خداوند برای همه مردم و این مطلب را پنهان و آشکارا در بین مردم بازگو می‌کنیم.

- ماییم اختیار داران حوض کوثر که دوستان خود را سیراب می‌کنیم با جام رسول خدا، این مطلب جای انکار نیست.

- شیعیان ما در بین مردم گرامی‌ترین پیروان هستند و دشمنان ما روز قیامت، زیان خواهند دید.

[۳۰] (۱). الاتحاف، ص ۱۷ و ۲۰.

[۳۱] (۲). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۴۸۲.

[۳۲] (۱). سمو المعنی، ص ۱۱۵.

[۳۳] (۱). سمو المعنی، ص ۱۱۷.

[۳۴] (۱). قسمتی از خطبه امام شهید علیه السلام در روز عاشوراست که در کتب معتبره مقاتل ذکر شده است. رجوع کنید به نفس المهموم، ص ۲۲۵.

[۳۵] (۱). سمو المعنی، ص ۱۱۸.

[۳۶] (۱). سوره زمر، آیه ۱۰؛ همانا پاداش صابران، بی حساب داده خواهد شد.

[۳۷] (۲). سوره نحل، آیه ۹۶؛ حتماً به آنانکه شکیبایی ورزیده‌اند بهتر از آنچه کرده‌اند پاداش دهیم.

[۳۸] (۳). سوره انفال آیه، ۴۶؛ و صبر کنید؛ به راستی خداوند با صابران است.

[۳۹] (۴). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۰۷؛ نسبت صبر به ایمان مانند سر به بدن است؛ در بدن بی سر، خیری نیست و در ایمانی که صبری با آن نیست نیز خیری نیست.

[۴۰] (۱). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۰۵؛ غم‌هایی که بر تو وارد می‌شود را با عزم بر شکیبایی و یقین شایسته، از خود دور ساز.

[۴۱] (۲). مفردات القرآن، ص ۲۷۳.

[۴۲] (۱). بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۴۰؛ و براستی از صبر تو، فرشتگان آسمان‌ها شگفت‌زده شدند.

[۴۳] (۱). سوره بقره، آیه ۱۷۷؛ و صبر کنندگان در محرومیت‌ها و نگرانی‌ها و در هنگام حوادث مشکل.

[۴۴] (۲). سوره بقره، آیه ۲۴۹؛ چه بسیار شده که گروهی اندک به اذن خداوند، بر گروهی بسیار، پیروز شدند و خدا با شکیبایان است.

[۴۵] (۱). قمر زخار، ص ۴۶۸؛ ابوالشهداء، ص ۱۸۸؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۱.

[۴۶] (۱). بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۴.

[۴۷] (۱). رحمت خداوند در دنیا و آخرت از شما جدا نمی‌گردد.

[۴۸] (۱). بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۱.

[۴۹] (۲). سخنان این غلام، اقتباسی است از قسمتی از آیه ۱۳۴ سوره آل عمران: «... وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ و فروخورده‌گان خشم و گذشت‌کنندگان از مردم و خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد.

[۵۰] (۳). سمو المعنی، ص ۱۶۱.

[۵۱] (۱). قمقام زخار، ص ۳۵۰ و سایر کتب مقتل.

[۵۲] (۱). ابوالشهداء، ص ۱۷۲؛ قمقام زخار، ص ۳۹۰.

[۵۳] (۲). سوره شوری، آیه ۴۳؛ و کسی که صبر و گذشت، پیشه کند بی گمان این از کارهای سترگ است.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

(ط) طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
 (ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان / خ مسجد سید / حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰-IR
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می زهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

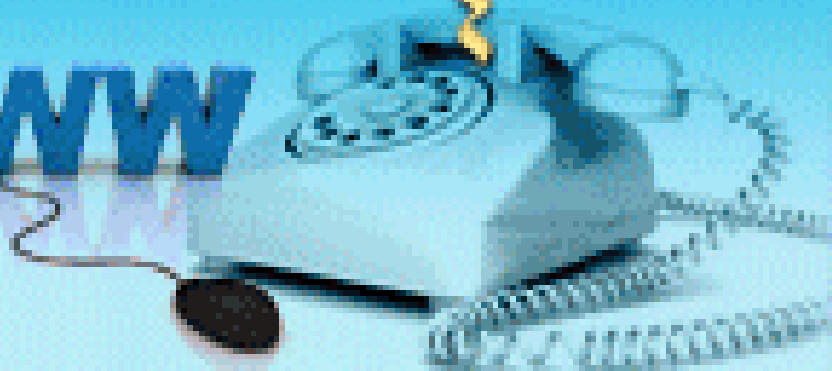


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

